

خطاب استغابوس

¹فَسَأَلَ رَئِيسُ الْكَهَنَةِ: أَتَرَى هَذِهِ الْأُمُورَ هَكَذَا هِيَ؟ ²فَقَالَ: أَيُّهَا الرِّجَالُ الْإِخْوَةُ وَالْآبَاءُ، اسْمَعُوا. ظَهَرَ إِلَهُ الْمَجْدِ لَأَبِينَا إِبْرَاهِيمَ وَهُوَ فِي مَا بَيْنَ النَّهْرَيْنِ، قَبْلَمَا سَكَنَ فِي حَارَانَ، ³وَقَالَ لَهُ: اجْرُؤْ مِنْ أَرْضِكَ وَمِنْ عَشِيرَتِكَ وَهَلِّمْ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي أَرِيكَ. ⁴فَخَرَجَ حَيَّيْذٍ مِنْ أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ وَسَكَنَ فِي حَارَانَ، وَمِنْ هُنَاكَ ثَقَلَهُ بَعْدَ مَا مَاتَ أَبُوهُ إِلَى هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي أَنْتُمْ الْآنَ سَاكِنُونَ فِيهَا. ⁵وَلَمْ يُعْطِهِ فِيهَا مِيرَاثًا وَلَا وَطَاءَةً قَدَمٍ وَلَكِنْ وَعَدَ أَنْ يُعْطِيَهَا مُلْكًا لَهُ وَلِتَسْلِيَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ بَعْدُ وَلَدٌ. ⁶وَتَكَلَّمَ اللَّهُ هَكَذَا: "أَنْ يَكُونَ تَسْلُهُ مُتَعَرِّبًا فِي أَرْضِ غَرِيبَةٍ فَيَسْتَعِيدُوهُ وَيُسَيِّبُوا إِلَيْهِ أَرْبَعَ مِئَةِ سَنَةٍ. وَالْأُمَّةُ الَّتِي يُسْتَعِيدُونَ لَهَا سَادِبُهَا أَنَا، يَقُولُ اللَّهُ، وَبَعْدَ ذَلِكَ يَخْرُجُونَ وَيَعْبُدُونَنِي فِي هَذَا الْمَكَانِ". ⁸وَأَعْطَاهُ عَهْدَ الْخِتَانِ وَهَكَذَا وَلَدَ إِسْحَاقَ وَخَتَنَهُ فِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ، وَإِسْحَاقُ وَلَدَ يَعْقُوبَ وَيَعْقُوبُ وَلَدَ رُؤُسَاءَ الْآبَاءِ الْإِسْنِيِّ عَشَرَ. ⁹وَرُؤُسَاءُ الْآبَاءِ حَسَدُوا يُوسُفَ وَتَأَعَّوْهُ إِلَى مِصْرَ، وَكَانَ اللَّهُ مَعَهُ ¹⁰وَأَنْقَذَهُ مِنْ جَمِيعِ ضَيْقَانِهِ وَأَعْطَاهُ نِعْمَةً وَحِكْمَةً أَمَامَ فِرْعَوْنَ، مَلِكِ مِصْرَ، فَاقَامَهُ مُدَبِّرًا عَلَى مِصْرَ وَعَلَى كُلِّ بَيْتِهِ.

¹¹ثُمَّ أَتَى جُوعٌ عَلَى كُلِّ أَرْضٍ مِصْرَ وَكَنْعَانَ وَضِيقٌ عَظِيمٌ فَكَانَ آبَاؤُنَا لَا يَجِدُونَ قُوتًا. ¹²وَلَمَّا سَمِعَ يَعْقُوبُ أَنَّ فِي مِصْرَ قَمْحًا أَرْسَلَ آبَاءَنَا أَوَّلَ مَرَّةٍ، ¹³وَفِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ اسْتَعْرِفَ يُوسُفَ إِلَى إِخْوَتِهِ وَاسْتَعْلَنَتْ عَشِيرَةُ يُوسُفَ لِفِرْعَوْنَ. ¹⁴فَأَرْسَلَ يُوسُفَ وَاسْتَدْعَى أَبَاهُ يَعْقُوبَ وَجَمِيعَ عَشِيرَتِهِ، خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ نَفْسًا. ¹⁵فَتَرَلَّ يَعْقُوبُ إِلَى مِصْرَ وَمَاتَ هُوَ وَآبَاؤُنَا ¹⁶وَوُثِّلُوا إِلَى شَكِيمَ وَوُضِعُوا فِي الْقَبْرِ الَّذِي اشْتَرَاهُ إِبْرَاهِيمُ بِتَمَنٍ فَضَّةٍ مِنْ بَنِي حَمُورَ أَبِي شَكِيمَ. ¹⁷وَكَمَا كَانَ يَقْرُبُ وَقْتُ الْمَوْتِ الَّذِي أَقْسَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ لِإِبْرَاهِيمَ كَانَ الشَّعْبُ يَنْمُو وَيَكْثُرُ فِي مِصْرَ ¹⁸إِلَى أَنْ قَامَ مَلِكٌ آخَرٌ لَمْ يَكُنْ يَعْرِفُ يُوسُفَ. ¹⁹فَاقْتَالَ هَذَا عَلَى جَنَسِنَا وَأَسَاءَ إِلَى آبَائِنَا حَتَّى جَعَلُوا أَطْفَالَهُمْ مَتَبُودِينَ لِكَيْ لَا يَعِيشُوا.

²⁰وَفِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وُلِدَ مُوسَى، وَكَانَ جَمِيلًا جِدًّا، فَرَبَّيَ هَذَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فِي بَيْتِ أَبِيهِ. ²¹وَلَمَّا نُيِّدَ اتَّخَذَتْهُ ابْنَةُ فِرْعَوْنَ وَرَبَّتْهُ لِنَفْسِهَا ابْنًا. ²²فَتَهَدَّبَ مُوسَى بِكُلِّ حِكْمَةِ الْمِصْرِيِّينَ وَكَانَ مُفْتَدِرًا فِي الْأَقْوَالِ وَالْأَعْمَالِ. ²³وَلَمَّا كَمَلَتْ لَهُ مُدَّةُ أَرْبَعِينَ سَنَةً خَطَرَ عَلَى بَالِهِ أَنْ يُعْتَقَدَ

خطبه استيفان

¹آنگاه رئیس کهنه گفت: آیا این امور چنین است؟² او گفت: ای برادران و پدران، گوش دهید. خدای ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتی که در جزیره بود قبل از توقفش در حران.³ و بدو گفت: از وطن خود و خویشانت بیرون شده، به زمینی که تو را نشان دهم برو.⁴ پس از دیار کلدانیان روانه شده، در حران درنگ نمود؛ و بعد از وفات پدرش، او را کوچ داد به سوی این زمین که شما الآن در آن ساکن می‌باشید.⁵ و او را در این زمین میراثی، حتی بقدر جای پای خود نداد، لیکن وعده داد که آن را به وی و بعد از او به ذریتش به ملکیت دهد، هنگامی که هنوز اولادی نداشت.⁶ و خدا گفت که: ذریّت تو در ملک بیگانه، غریب خواهند بود و مدّت چهارصد سال ایشان را به بندگی کشیده، معذب خواهند داشت.⁷ و خدا گفت: من بر آن طایفه‌ای که ایشان را مملوک سازند داوری خواهم نمود و بعد از آن بیرون آمده، در این مکان مرا عبادت خواهند نمود.⁸ و عهد ختنه را به وی داد که بنابراین چون اسحاق را آورد، در روز هشتم او را مختون ساخت و اسحاق یعقوب را و یعقوب دوازده پطربارخ را.⁹ و پطربارخان به یوسف حسد برده، او را به مصر فروختند. اما خدا با وی می‌بود و او را از تمامی زحمت او رستگار نموده، در حضور فرعون، پادشاه مصر توفیق و حکمت عطا فرمود تا او را بر مصر و تمام خاندان خود فرمانفرما قرار داد.

¹¹پس قحطی و ضیق شدید بر همه ولایت مصر و کنعان رخ نمود، به‌حدّی که اجداد ما قوتی نیافتند.¹² اما چون یعقوب شنید که در مصر غله یافت می‌شود، بار اوّل اجداد ما را فرستاد.¹³ و در کثرت دوم یوسف خود را به برادران خود شناسانید و قبیله یوسف به نظر فرعون رسیدند.¹⁴ پس یوسف فرستاده، پدر خود یعقوب و سایر عیالش را که هفتاد و پنج نفر بودند، طلبد.¹⁵ پس یعقوب به مصر فرود آمده، او و اجداد ما وفات یافتند.¹⁶ و ایشان را به شکیم برده، در مقبره‌ای که ابراهیم از بنی‌حمور، پدر شکیم به مبلغی خریده بود، دفن کردند.¹⁷ و چون هنگام وعده‌ای که خدا با ابراهیم قسم خورده بود نزدیک شد، قوم در مصر نمو کرده، کثیر می‌گشتند.¹⁸ تا وقتی که پادشاه دیگر که یوسف را

نمی‌شناخت برخاست.¹⁹ او با قوم ما حيله نموده، اجداد ما را ذلیل ساخت تا اولاد خود را بیرون انداختند تا زیست نکنند.

²⁰ در آن وقت موسی تولد یافت و بغایت جمیل بوده، مدت سه ماه در خانه پدر خود پرورش یافت.²¹ و چون او را بیرون افکندند، دختر فرعون او را برداشته، برای خود به فرزندی تربیت نمود.²² و موسی در تمامی حکمت اهل مصر تربیت یافته، در قول و فعل قوی گشت.²³ چون چهل سال از عمر وی سپری گشت، به‌خاطرش رسید که از برادران خود، خاندان اسرائیل تفقد نماید.²⁴ و چون یکی را مظلوم دید او را حمایت نمود و انتقام آن عاجز را کشیده، آن مصری را بکشت.²⁵ پس گمان برد که برادرانش خواهند فهمید که خدا به دست او ایشان را نجات خواهد داد. اما نفهمیدند.²⁶ و در فردای آن روز خود را به دو نفر از ایشان که منازعه می‌نمودند، ظاهر کرد و خواست مابین ایشان مصالحه دهد. پس گفت: ای مردان، شما برادر می‌باشید. به یکدیگر چرا ظلم می‌کنید؟²⁷ آنگاه آنکه بر همسایه خود تعدی می‌نمود، او را رد کرده، گفت: که تو را بر ما حاکم و داور ساخت؟²⁸ آیا می‌خواهی مرا بکشی چنانکه آن مصری را دیروز کشتی؟²⁹ پس موسی از این سخن فرار کرده، در زمین مدیان غربت اختیار کرد و در آنجا دو پسر آورد.

³⁰ و چون چهل سال گذشت، در بیابان کوه سینا، فرشته خداوند در شعله آتش از بوته به وی ظاهر شد.³¹ موسی چون این را دید از آن رؤیا در عجب شد و چون نزدیک می‌آمد تا نظر کند، خطاب از خداوند به وی رسید³² که: منم خدای پدرانت، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب. آنگاه موسی به لرزه درآمده، جسارت نکرد که نظر کند.³³ خداوند به وی گفت: نعلین از پایهایت بیرون کن زیرا جایی که در آن ایستاده‌ای، زمین مقدس است.³⁴ همانا مشقت قوم خود را که در مصرند دیدم و ناله ایشان را شنیدم و برای رهاییشان نزول فرمودم. الحال بیا تا تو را به مصر فرستم.

³⁵ همان موسی را که رد کرده، گفتند: که تو را حاکم و داور ساخت؟ خدا حاکم و نجات‌دهنده مقرر فرموده، به دست فرشته‌ای که در بوته بر وی ظاهر شد،

إِخْوَتُهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ. وَإِذْ رَأَى وَاحِدًا مَظْلُومًا حَامِيَ عَنْهُ وَأَنْصَفَ الْمَظْلُوبَ إِذْ قَتَلَ الْمِصْرِيَّ.²⁵ فَطَنَّ أَنَّ إِخْوَتَهُ يَكْفَهُونَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى يَدَيْهِ يُعْطِيهِمْ نَجَاةً، وَأَمَّا هُمْ فَلَمْ يَفْهَمُوا.²⁶ وَفِي الْيَوْمِ الثَّانِي طَهَّرَ لَهُمْ وَهُمْ يَتَخَصَّمُونَ فَسَاقَهُمْ إِلَى السَّلَامَةِ قَائِلًا: أَيُّهَا الرِّجَالُ، أَنْتُمْ إِخْوَةٌ، لِمَاذَا تَطْلِمُونَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا؟²⁷ قَالُوا: كَانَ يَطْلِمُ قَرِيْبَهُ دَفْعَهُ قَائِلًا: مَنْ أَقَامَكَ رَئِيسًا وَقَاضِيًا عَلَيْنَا؟²⁸ أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ أَمْسَ الْمِصْرِيَّ؟²⁹ فَهَرَبَ مُوسَى بِسَبَبِ هَذِهِ الْكَلِمَةِ وَصَارَ غَرِيبًا فِي أَرْضِ مَدْيَانَ حَيْثُ وَلَدَ ابْنَيْنِ.

³⁰ وَلَمَّا كَمَلَتْ أَرْبَعُونَ سَنَةً طَهَّرَ لَهُ مَلَكُ الرَّبِّ فِي بَرِّيَّةِ جَبَلِ سِينَاءَ فِي لَهْيَبٍ تَارٍ عُثْيَقَةً.³¹ فَلَمَّا رَأَى مُوسَى ذَلِكَ تَعَجَّبَ مِنَ الْمُنْظَرِ، وَفِيمَا هُوَ يَتَقَدَّمُ لِيَتَطَلَّعَ صَارَ إِلَيْهِ صَوْتُ الرَّبِّ: ³²"أَنَا إِلَهُ آبَائِكَ، إِلَهُ إِبْرَاهِيمَ وَإِلَهُ إِسْحَاقَ وَإِلَهُ يَعْقُوبَ". فَاتَّعَدَّ مُوسَى وَلَمْ يَجْسُرْ أَنْ يَتَطَلَّعَ.³³ فَقَالَ لَهُ الرَّبُّ: "اخْلَعْ نَعْلَ رِجْلَيْكَ لِأَنَّ الْمَوْضِعَ الَّذِي أَنْتَ وَاقِفٌ عَلَيْهِ أَرْضٌ مُقَدَّسَةٌ."³⁴ إِنِّي رَأَيْتُ مَشَقَّةَ شَعْبِي الَّذِينَ فِي مِصْرَ وَسَمِعْتُ أَيْتَهُمْ وَتَرَلْتُ لِأَنْقَذَهُمْ، فَهَلُمَّ الْآنَ أَرْسِلْكَ إِلَى مِصْرَ.

³⁵ هَذَا مُوسَى الَّذِي أَنْكَرُوهُ قَائِلِينَ: "مَنْ أَقَامَكَ رَئِيسًا وَقَاضِيًا؟" هَذَا أَرْسَلَهُ اللَّهُ رَئِيسًا وَقَادِيًا بِيَدِ الْمَلَكِ الَّذِي طَهَّرَ لَهُ فِي الْعُثْيَقَةِ.³⁶ هَذَا أَخْرَجَهُمْ صَانِعًا عَجَائِبَ وَآيَاتٍ فِي أَرْضِ مِصْرَ وَفِي الْبَحْرِ الْأَخْمَرِ وَفِي الْبَرِّيَّةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

³⁷ هَذَا هُوَ مُوسَى الَّذِي قَالَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ: "تَبَيَّنَّا مِثْلِي سَبْقِيْمٌ لَكُمْ الرَّبُّ إِلَهُكُمْ مِنْ إِخْوَتِكُمْ، لَهُ تَسْمَعُونَ".³⁸ هَذَا هُوَ الَّذِي كَانَ فِي الْكَنِيسَةِ فِي الْبَرِّيَّةِ مَعَ الْمَلَكِ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ فِي جَبَلِ سِينَاءَ وَمَعَ آبَائِنَا، الَّذِي قِيلَ أَقْوَالًا حَيَّةً لِنُعْطِيَنَّا إِيَّاهَا،³⁹ الَّذِي لَمْ يَسْأَلْنَا أَنْ يَكُونُوا طَائِعِينَ لَهُ بَلْ دَعَوُهُ وَرَجَعُوا يَقْلُوبُهُمْ إِلَى مِصْرَ قَائِلِينَ لِهَارُونَ: "اعْمَلْ لَنَا إِلَهَةً تَتَقَدَّمُ أَمَامَنَا، لِأَنَّ هَذَا مُوسَى الَّذِي أَخْرَجَنَا مِنْ أَرْضِ مِصْرَ لَا نَعْلَمُ مَاذَا أَصَابَهُ."⁴⁰ فَعَمِلُوا عِجْلًا فِي تِلْكَ الْآيَامِ وَأَصْعَدُوا ذَبِيحَةً لِلصَّتَمِ وَقَرَحُوا بِأَعْمَالِ أَيْدِيهِمْ.⁴² فَرَجَعَ اللَّهُ وَأَسْلَمَهُمْ لِيَعْبُدُوا جُنْدَ السَّمَاءِ كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ: "هَلْ قَرَّبْتُمْ لِي ذَبَائِحَ وَقَرَّبِينَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فِي الْبَرِّيَّةِ، يَا بَيْتَ إِسْرَائِيلَ؟⁴³ بَلْ خَمَلْتُمْ خِيْمَةَ مُوَلُوكَ وَتَجَمَّ إِلَهُكُمْ رَمْقَانِ، التَّمَاثِيلَ الَّتِي صَنَعْتُمُوهَا، لَتَسْجُدُوا لَهَا، فَأَنْقَلَكُمُ

إِلَى مَا وَرَاءَ بَابِلَ".

⁴⁴ وَأَمَّا خِيَمَةُ الشَّهَادَةِ فَكَانَتْ مَعَ آبَائِنَا فِي الْبَرِّيَّةِ كَمَا أَمَرَ الَّذِي كَلَّمَ مُوسَى أَنْ يَعْمَلَهَا عَلَى الْمِثَالِ الَّذِي كَانَ قَدْ رَأَاهُ،⁴⁵ الَّتِي أَذْخَلَهَا أَيْضًا آبَاؤُنَا إِذْ تَخَلَّفُوا عَلَيْهَا مَعَ يَسُوعَ فِي مُلْكِ الْأَمَمِ، الَّذِينَ طَرَدَهُمُ اللَّهُ مِنْ وَجْهِ آبَائِنَا، إِلَى أَيَّامِ دَاوُدَ،⁴⁶ الَّذِي وَجَدَ نِعْمَةً أَمَامَ اللَّهِ، وَالتَّمَسَّ أَنْ يَجِدَ مَسْكَنًا لِإِلَهِ يَعْقُوبَ،⁴⁷ وَلَكِنَّ سُلَيْمَانَ بَنَى لَهُ بَيْتًا. لَكِنَّ الْعَلِيِّ لَا يَسْكُنُ فِي هَيَاكِلَ مَصْنُوعَةٍ بِالْأَيْدِي، كَمَا يَقُولُ النَّبِيُّ:⁴⁹ "السَّمَاءُ كُرْسِيُّ لِي وَالْأَرْضُ مَوْطِئٌ لِقَدَمَيَّ. أَيُّ بَيْتٍ تَبْنُونَ لِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَيُّ هُوَ مَكَانٌ رَاحَتِي؟⁵⁰ أَلَيْسَتْ يَدَيَّ صَنَعَتْ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا؟"⁵¹ يَا فُسَاةَ الرِّقَابِ وَغَيْرَ الْمُخْتُونِينَ بِالْقُلُوبِ وَالْآذَانِ، أَنْتُمْ دَائِمًا تَقَاوُمُونَ الرُّوحَ الْقُدُسَ، كَمَا كَانَ آبَاؤُكُمْ كَذَلِكَ أَنْتُمْ.⁵² أَيُّ الْإِنْبِيَاءِ لَمْ يَضْطَهِدْهُ آبَاؤُكُمْ؟ وَقَدْ قَتَلُوا الَّذِينَ سَبَقُوا قَاتِلُوا بِمَجِيءِ الْبَارِّ الَّذِي أَنْتُمْ الْآنَ صِرْتُمْ مُسْلِمِيهِ وَقَاتِلِيهِ،⁵³ الَّذِينَ أَحَدْتُمْ التَّامُوسَ بِتَرْتِيبِ مَلَائِكَةٍ وَلَمْ تَحْقُطُوهُ.

استشهاد استفانوس

⁵⁴ فَلَمَّا سَمِعُوا هَذَا خَنِقُوا يَفْلُوبِهِمْ وَصَرُّوا يَأْسَتَانِهِمْ عَلَيْهِ.⁵⁵ وَأَمَّا هُوَ فَسَخَّصَ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ مُمْتَلِئٌ مِنَ الرُّوحِ الْقُدُسِ فَرَأَى مَجْدَ اللَّهِ وَيَسُوعَ قَائِمًا عَنْ يَمِينِ اللَّهِ،⁵⁶ فَقَالَ: هَا أَنَا أَنْظُرُ السَّمَاوَاتِ مَفْتُوحَةً وَابْنِ الْإِنْسَانِ قَائِمًا عَنْ يَمِينِ اللَّهِ.⁵⁷ قَصَّاحُوا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ وَسَدُّوا آذَانَهُمْ وَهَجَمُوا عَلَيْهِ بِنَفْسٍ وَاجِدَةٍ،⁵⁸ وَأَخْرَجُوهُ خَارِجَ الْمَدِينَةِ وَرَجَمُوهُ. وَالشُّهُودُ خَلَعُوا ثِيَابَهُمْ عِنْدَ رِجْلَيْ سَابِّ يَقَالُ لَهُ سَأُولٌ.⁵⁹ فَكَانُوا يَرْجُمُونَ اسْتِيقَانُوسَ وَهُوَ يَدْعُو وَيَقُولُ: أَبُهَا الرَّبُّ يَسُوعُ، أَقْبِلْ رُوحِي. ثُمَّ جَنَأَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: يَا رَبُّ، لَا تُقِمَ لَهُمْ هَذِهِ الْحَطِيئَةَ. وَإِذْ قَالَ هَذَا رَقَدَ.

فرستاد.³⁶ او با معجزات و آیاتی که مدّت چهل سال در زمین مصر و بحر قُلُزْم و صحرا به ظهور می‌آورد، ایشان را بیرون آورد.

³⁷ این همان موسی است که به بنی‌اسرائیل گفت: خدا نیای را مثل من از میان برادران شما برای شما مبعوث خواهد کرد. سخن او را بشنوید.³⁸ همین است آنکه در جماعت در صحرا با آن فرشته‌ای که در کوه سینا بدو سخن می‌گفت و با پدران ما بود و کلمات زنده را یافت تا به ما رساند،³⁹ که پدران ما نخواستند او را مطیع شوند بلکه او را ردّ کرده، دلهای خود را به سوی مصر گردانیدند،⁴⁰ و به هارون گفتند: برای ما خدایان ساز که در پیش ما بخرامند زیرا این موسی که ما را از زمین مصر برآورد، نمی‌دانیم او را چه شده است.⁴¹ پس در آن ایّام گوسالهای ساختند و بدان بت قربانی گذرانیده به اعمال دستهای خود شادی کردند.⁴² از این جهت خدا رو گردانیده، ایشان را واگذاشت تا جنود آسمان را پرستش نمایند، چنانکه در صحف انبیا نوشته شده است که: ای خاندان اسرائیل، آیا مدّت چهل سال در بیابان برای من قربانی‌ها و هدایا گذرانیدید؟⁴³ و خیمه ملوک و کوکبِ خدای خود رُمفان را برداشتید، یعنی اصنامی را که ساختید تا آنها را عبادت کنید. پس شما را بدان طرف بابل منتقل سازم.

⁴⁴ و خیمه شهادت با پدران ما در صحرا بود چنانکه امر فرموده، به موسی گفت، آن را مطابق نمونه‌ای که دیده‌ای بساز.⁴⁵ و آن را اجداد ما یافته، همراه یوشع درآوردند به ملک امّت‌هایی که خدا آنها را از پیش روی پدران ما بیرون افکند تا ایّام داود.⁴⁶ که او در حضور خدا مستفیض گشت و درخواست نمود که خود مسکنی برای خدای یعقوب پیدا نماید.⁴⁷ اما سلیمان برای او خانه‌ای بساخت.⁴⁸ و لیکن حضرت اعلی در خانه‌های مصنوع دستها ساکن نمی‌شود چنانکه نبی گفته است⁴⁹ که: خداوند می‌گوید آسمان کرسی من است و زمین پای‌انداز من. چه خانه‌ای برای من بنا می‌کنید و محلّ آرامیدن من کجاست؟⁵⁰ مگر دست من جمیع این چیزها را نیافرید؟

⁵¹ ای گردنکشان که به دل و گوش نامختونید، شما پیوسته با روح‌القدس مقاومت می‌کنید، چنانکه پدران شما همچنین شما.⁵² کیست از انبیا که پدران شما بدو

جفا نکردند؟ و آنانی را کشتند که از آمدن آن عادل
که شما بالفعل تسلیم کنندگان و قاتلان او شدید، پیش
اخبار نمودند.⁵³ شما که به توسط فرشتگان شریعت را
یافته، آن را حفظ نکردید!

شهادت استیفان

⁵⁴ چون این را شنیدند دلریش شده، بر وی دندانهای
خود را فشردند.⁵⁵ اما او از روح القدس پر بوده، به
سوی آسمان نگرست و جلال خدا را دید و عیسی را
بدست راست خدا ایستاده و گفت،⁵⁶ اینک: آسمان را
گشاده، و پسر انسان را به دست راست خدا ایستاده
می بینم.⁵⁷ آنگاه به آواز بلند فریاد برکشیدند و گوشهای
خود را گرفته، به یکدل بر او حمله کردند،⁵⁸ و از شهر
بیرون کشیده، سنگسارش کردند. و شاهدان،
جامه های خود را نزد پایهای جوانی که سولُس نام
داشت گذاردند.⁵⁹ و چون استیفان را سنگسار
می کردند، او دعا نموده، گفت: ای عیسی خداوند، روح
مرا بپذیر.⁶⁰ پس زانو زده، به آواز بلند ندا در داد که:
خداوندا، این گناه را بر اینها مگیر. این را گفت و
خوابید.